

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انگیزه ی دوام جنگ قدرت ها در یمن!

(ترجمه)



از آوان تاریخ بشریت و حتی از زمانی که الله سبحانه وتعالی زمین را به بشر به میراث گذاشته است، جنگ بین ملت ها بحیث یک اصل موجود بوده و از دو حالت خارج نیست: نخست؛ حب سیادت و افتخار به آن؛ نظیر حب سیادت ایدیولوژی نزد مسلمان ها و پخش و نشر آن؛ چنان چه روزگاری دولت اسلامی این کار را انجام می داد که حدود ۱۳ صدسال ادامه پیدا کرد، و هم چنان حب سیادت ملت ها؛ چنان چه ایتالیا و آلمان نازی داشت. دوم؛ بدست آوردن منافع مادی.

با زوال دولت اسلامی و اتحاد جماهیر شوروی، انگیزه ای که جهان را رهبری می کرد، در بدل بدست آوردن منافع مادی ضعیف گردیده و حالت رقت بار فعلی نتیجه آن می باشد که تا آمدن خلافت راشده بر منهج نبوت ادامه خواهد داشت؛ زیرا این خلافت است که در جنگ بین المللی و جنگ میان قدرت های بزرگ تأثیر داشته و با آمدنش انگیزه حب سیادت ایدیولوژی و نشر آن نزد پیروانش به وجود می آید، با آن که امروزه امریکا زعامت امور بشر را در دست گرفته و جهان را به طرف بدی ها اداره می کند.

خطرناک ترین انگیزه ی جنگ بین دولت ها همانا انگیزه استعماری با تمام نوع آن می باشد؛ زیرا همین انگیزه ی استعماری است که سبب جنگ های کوچک و بزرگ و سبب دو جنگ جهانی، جنگ های خلیج، جنگ های افریقا، افغانستان و عراق گردید. این انگیزه ی استعماریست که تا هنوز سبب اصلی مشکلات و بحران ها و جنگ های فعلی در جهان گردیده است. رقابت میان امریکا و انگلیس در جهان اسلام، به ویژه در یمن از بهر استعمار و سیطره بر منابع مادی و ثروت های طبیعی بوده تا آن جا که روابط بین این دو کشور در مورد یمن به گونه ای جنون آمیز به تیره گی می انجامد که سبب جنگ های خونین جاری در یمن گردیده و تا هنوز هزاران تن از اهل یمن قربانی این جنگ خانمان سوز شده اند.

جنگ جاری در یمن سبب ریختاندن خون های بی گناهان، گرسنگی، درد و رنج، بلاهای سخت، مرض و بیا، امراض کولرا و نیز سبب ازدیاد فقر و بیکاری گردیده است. جنگ در یمن هنوز ادامه داشته و هیچ نشانه ای به نزدیکی و تمام شدن این جنگ دلالت نمی کند؛ بلکه انگیزه این جنگ و ادامه ی آن همانا منافع و ثروت های طبیعی می باشد، یقیناً این انگیزه ی استعماری جدید است. روی همین موضوع جنگ میان قدرت ها در یمن به طرف نامعلوم روان است.

از طرفی هم طمع داشتن دولت های منطقوی برای اجرا کردن برنامه های دولت های غربی نیز سبب ادامه ی جنگ در یمن می باشد. با این وجود ایران در تلاش است تا یمن را چنان چه قبل از اسلام بود، جز پروژه فارسی خود گرداند. اما سعودی طوری گمان می کند که یمن حیثیت باغی را دارد که در همسایه گی اش قرار گرفته، بدین اساس سعودی اهداف امریکا را در یمن تطبیق کرده و تلاش می ورزد تا امریکا را قناعت دهد که یمن در پهلوی سعودی بوده و نمی خواهد ایران در امور یمن مداخله کند؛ زیرا ایران می کوشد تا حوثی ها را به قدرت برساند.

اما امارات یمن را از دریچه ی دروازه خلیج نگر بسته و به ازدیاد نفوذ امریکا می پردازد، و نیز توسعه و پیشرفت حوثی ها را بر عرش حکام خلیج خطر می بیند. بناً امارات در صدد کاهش نفوذ حوثی ها و چرخش قدرت به نفع صالح به ادامه نفوذ انگلیس چنان چه قبلاً بود، می باشد. ادامه شعله ور ساختن جنگ های قبیلوی و فرقی در یمن تا جایی رسیده که کوشش صورت می گیرد تا طرف های جنگ فرقه یی با رنگ و بوی حل وسط سیاسی پروژه های قدرت های بزرگی؛ هم چو: امریکا، انگلیس و نیز قدرت های منطقه یی را به هدف تطبیق برنامه های آنان بدست بیاورند. از این رو هر فرقه تلاش می کند تا رسانه ها، ارتش و مناهج تعلیمی را به هدف خواسته های فرقه یی و مذهبی تطمیع نماید. برای وضاحت هرچه بیشتر نکات ذیل در مورد جنگ یمن ضروری می باشد:

1- **اوج گرفتن جنگ به طرف بنادر بحری:** هر فرقه که مورد حمایت قدرت های بزرگ غربی قرار دارد، کوشش می کند تا بالای جنگ موجود سیطره پیدا کرده و جنگ را به طرف بنادر بحری بکشاند. اجرا کننده ی جنگ فعلی به طرف جنگ بحری هم پیمانان حوثی ها و صالح بوده و به آنان سلاح و مواد کمکی قاچاق می شود. با این حال تیلرسون وزیر خارجه امریکا، خواهان دوباره احیاء کردن طرح قبلی جان کری می باشد که عبارت از تسلیمی بندر حدیده است که طرف ثالث قرار می گیرد. درین حال امریکا اولین کسی خواهد بود که در صورت طرف سوم، سیاست آن را مدنظر نگرفته و نخواهد پذیرفت.

2- **سبقت در بدست آوردن منافع و اموال:** نظام حاکم در یمن روابط مردم را به اساس مصلحت تنظیم کرده و این مصلحت محرک اساسی در تأثیر بالای مردم بوده و مردم را مصروف ساخته و یا هم به گونه ی شگفت زده خود و یا اولادهای شان در خدمت دولت های استعماری قرار دارند، معلوم است که طرف های درگیر، این جنگ را به جنگ قومی، وطنی، مذهبی و طایفی از بهر جذب پیروان شان مبدل کرده اند تا مردم هیزم این جنگ بوده و جنگ اصلی را تحت نام این جنگ ها پوشانده تا ناحیه منفعت این جنگ را که به طراحان اصلی جنگ می رسد، اخفاء کنند.

بناً انگیزه ی استعماری یگانه انگیزه در دوام این جنگ بوده و بالارفتن آن با اضافه ی انگیزه های قومی، وطنی، طایفی و مصلحتی می باشد. این انگیزه ها سبب گردیده است تا جنگ شعله ور شده، ادامه پیدا کند و هرگز توقف نشود؛ مگر این که قدرت های؛ هم چو: امریکا و انگلیس به یک حل سیاسی توافق نکنند. بناً اهل یمن باید مزدوران دولت های استعماری را که بالای آنان حاکمیت می کنند نپذیرفته و با برادران شان در حزب التحریر برای اقامه ی خلافت راشده کار کنند تا قدرت مزدوران استعمار به پرتگاه سقوط انجامیده و خلافت راشده اقامه گردد که با پیروزی آن در دنیا عزت نایل شده و کامیابی در آخرت است که همانا کامیابی بزرگی است.

نویسنده: شایف الشراذی